

ری بردبری

آخرین مصاحبه و سایر گفتگوها

ترجمه سوما، ولت زاده



۱۳۹۷



سرشناسه	: بردبری، ری، ۱۹۲۰ - ۲۰۱۲ م.
عنوان و نام پدیدآور	: Ray Bradbury ری بردبری؛ آخرین مصاحبه و سایر گفتگوها/ سام ولر؛ ترجمه سولماز دولت‌زاده.
مشخصات نشر	: تهران: آفتابکاران، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص؛ ۱۴×۵/۲۱ س.م.
فروست	: گفتگو با مشاهیر جهان - ۲.
شابک	: 978-600-96795-9-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: [c. the last interview and other conversations : Ray Bradbury] [2014]
موضوع	: بردبری، ری، ۱۹۲۰ - ۲۰۱۲ م. -- مصاحبه‌ها
موضوع	: Bradbury, Ray -- Interviews
موضوع	: نویسندگان آمریکایی -- قرن ۲۰ م. -- مصاحبه‌ها
موضوع	: Authors, American -- 20th century -- Interviews
موضوع	: داستان‌های علمی -- نویسندگی
موضوع	: Science fiction -- Authorship
موضوع	: ولر، سام، ۱۹۶۷ - م.
موضوع	: Weller, Sam
موضوع	: دولت‌زاده، سولماز، ۱۳۵۶ - م. مترجم
موضوع	: ۱۳۹۶۵۱۴ ب/ ۳۵۰۳ PS
موضوع	: ۸۱۳/۰۱۴
موضوع	: ۴۷۵۷۲/

ری بردبری

آخرین مصاحبه و سایر گفتگوها

سولماز دولت‌زاده

- طرح جلد: احمد آفاقلیزاده
- ویراستار: الهام سلمانی فروغی
- صفحه‌آرا: ابراهیم توکلی
- نوبت چاپ: اول
- سال چاپ: بهار ۹۷
- لیتوگرافی: نگین
- چاپ: مهراب
- صحافی: تیرگان
- قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۷۹۵-۹-۱
- مدیر تولید: سید شهاب‌الدین ملاسعیدی

تهران - خیابان ستارخان - خیابان رئیسی - شماره ۷۰ - واحد ۶ ■ ۶۶۴۶۳۴۱۶

www.aftabkaranpub.com

info@aftabkaranpub.com

فهرست

مقدمه ۹

- اسلحه لیزری، ربات و موشک: تأثیر ری بردبری بر آینده ۱۵
مصاحبه کننده: سام ولر
کامیک-کان سن دیگو^۱
۲۴ ژوئیه ۲۰۱۰

- معمار آناری و سایر مقاله ها ۴۱
گردآورنده: سام ولر
۲۰۱۰-۲۰۱۲

۱. San Diego Comic-con: کنفرانسی سالانه که هر تابستان چهار روز در سن دیگو
امریکا برگزار می شود. - م.

۶۱ - دمای اشتعال کتاب

مصاحبه کننده: سام ولر
دانشگاه پزشکی و سترن^۱
۱۸ اکتبر ۲۰۱۰

۸۳ - آخرین مصاحبه

مصاحبه کننده: سام ولر
۲۰۰۰-۲۰۱۲

۱۲۵ - تقدیر و تسکیر

مقدمه

مسابقه‌های این مجموعه بین ژوئن ۲۰۱۰ و آوریل ۲۰۱۲ انجام و گردآوری شده‌اند. اولین ملاقاتم با ری بردبری برمی‌گردد به سال ۲۰۰۰؛ همان سالی که برای مجلهٔ شیکاگو تریبون^۱ فیچراستوری می‌نوشتم، همان سالی که ری با من هفتاد سالگی گذاشت. و با اینکه تقریباً پنجاه سال اختلاف سنی داشتیم، خیلی زود ارتباطمان به دوستی بدل شد. آخر تجارب کودکی مشابهی داشتیم و هر دو بزرگ‌شدهٔ ایلینوی شمالی و کالیفرنای جنوبی بودیم. سی و چهار سالگی داشتیم. هر دو کنجکاو بودیم و شور زندگی درونمان شعله می‌کشید. همین شد که کار مشترکی با یکدیگر آغاز کردیم و من رسماً زندگینامه‌نویس ری شدم.

وقتی قدم در زندگی بردبری گذاشتم، به ری در سکنه‌ای کاهنده دورهٔ نقاهتش را می‌گذراند، سکنه‌ای که یادآور فناپذیری شکننده‌اش بود. بیش از یک دهه دربارهٔ موضوعات بسیاری گفتگو کردیم. در واقع پس از سال‌ها جلب اعتماد، که سرمایهٔ بلندمدت زندگینامه‌نویسی ژرف است، هیچ موضوعی بین ما خط قرمز محسوب نمی‌شد. این اعتماد امتیاز فوق‌العاده‌ای بود، اما در عوض حس مسئولیت عظیمی هم بر دوشم گذاشت. بنابراین به شدت مراقب حفظ حد و مرز هستم تا بین هیجانم نسبت به روح سخاوتمند بردبری و تعهد روزنامه‌نگاری‌ام برای ثبت

میراثش تعادل برقرار کنم. دوستی دیرینه ما سبب شد ری بسیاری از پرسش‌هایم را پاسخ دهد، پرسش‌هایی که اگر از زبان نویسندگان یا روزنامه‌نگاران دیگر می‌شنید، در برابرشان سکوت می‌کرد. به نظرم در ابتدای مصاحبه پایانی این کتاب، که در حقیقت آخرین مصاحبه هم هست، این حد از صمیمیت را می‌توان حس کرد.

گفتگوهای این کتاب بردبری‌ای را نشان می‌دهد که، به گفته خودش، «وقتش تنگ است» (در زمان اولین مصاحبه ۸۹ سال داشت)، نویسنده ادبی بزرگ را به تصویر می‌کشد که راه زیادی به خط پایان ندارد، نویسنده‌ای اندیشه‌مند، نرسند، خردمند و مثل همیشه سرسخت. باوجودی که بردبری در زمان این مصاحبه‌ها از نظر جسمانی بسیار نحیف بود، هنوز هم یکدنده بود و با افکار خارق‌العاده‌اش، که شاهکارهای خلاقه‌ای همچون حکایت‌های سری^۱، ۴۵۱ درجهٔ فarenهایت^۲ و چیزی ضرور از این راه می‌رسد^۳ خلق کرده بود، تماماً مسلط می‌نمود.

این کتاب با بقیهٔ سری کتاب‌های «آرین مصاحبه‌های»^۴ انتشارات ملویل هاوس تفاوتی جزئی دارد. در سایر کتاب‌های این مجموعه، از جمله گفتگو با جیمز بالدوین^۵، گابریل گارسیا مارکز^۶ و آنا آرنست^۷، مصاحبهٔ نویسندگان و روزنامه‌نگاران مختلف با یک نویسنده، در یک کتاب جمع‌آوری شده است، اما در کتاب ری بردبری: آخرین مصاحبه کل چهار گفتگو را من انجام داده‌ام. در این کتاب سعی بر این بود از

1. The Martian Chronicles

2. Fahrenheit 451

3. Something Wicked This Way Comes

4. Last Interview

5. James Baldwin

6. Gabriel Garcia Marquez

7. Hannah Arendt

گفتگوهای تکراری با موضوع مشابه خودداری شود. همچنین تلاش کردم مصاحبه‌هایی گلچین کنم که به بررسی ایده‌های نو، نظریات فلسفی، جزئیات و حکایت‌هایی پردازد که در کتاب‌های قبلی‌ام دربارهٔ این نویسنده به آنها اشاره نشده بود.

در سال آخر زندگی ری بردبری بسیار دشوار گذشت. بیشتر در خانه در سخت‌خوابش می‌ماند و فقط گاهی برای مراسم ویژه یا گفتگوهای عمومی سال مردم ظاهر می‌شد. (دو گفتگوی زنده در جمع طرفدارانش در این کتاب آورده شده است.) بیشتر اوقاتی که در این دو سال با یکدیگر سپری کردیم در ماه‌اش در چویت هیلز^۱ کالیفرنیا و در حالی بود که من کنار تختش نشسته بودم. ری در نوامبر ۱۹۵۸ به این خانه نقل مکان کرد و همین‌جا چهار دخترش را بزرگ کرد، هر سال مهمانی هالووین برگزار کرد، از نویسندگان سرشناس، موزیسین‌ها و اشخاص عالی‌رتبه پذیرایی کرد و ۵۶ سال در کنار همسرش، مارگارت مک‌کلر بردبری^۲، زندگی کرد. مگی در سال ۲۰۰۳ از فانی را وداع گفت و بردبری تنها ماند و تا آخرین روزهای عمرش تحت مراقب پرستار گذشت. هر وقت به دیدارش می‌رفتم از من می‌خواست که برای یکی از غذاهای مورد علاقه‌اش مثل همبرگر، غذای هندی یا ساندویچ بیکن بزم. گاهی چیزی با هم می‌نوشتیم. دوست داشت عیادت‌کنندگان برایش کتاب بخوانند. و البته باهم گپ می‌زدیم. این بردبری با بردبری‌ای که در سال ۲۰۰۰ دیدم فرق داشت. در واپسین روزها همچون ستاره‌ای نورانی

1. Cheviot Hills

2. Marguerite McClure Bradbury

در آسمان بود که به آرامی از روشنایی و عظمتش کاسته می‌شد. هر بار که به دیدنش می‌رفتم، می‌ترسیدم آخرین دیدارمان باشد.

در ۱۲ آوریل ۲۰۱۲ درباره زندگی و حرفه بردبری در کتابخانه وست هالیوود^۱ سخنرانی کردم. هر موقعیت دیگری در طول دوستی طولانی‌مان بود، حتماً با رغبت برای سخنرانی همراه می‌آمد، اما آن شب به دلیل وضعیت جسمانی و سلامتی‌اش مجبور شد در خانه بماند. پس از سخنرانی رفتم، خانه‌اش که خیلی هم دور نبود. حدود نه و نیم شب بود. خوابش سبک بود و با فواصل کوتاه می‌خوابید و کمی پس از این که به خانه‌اش رسیدم به ر شد. تلویزیون روی میز چرخداری روبروی تختش روشن بود و سباز رور از کانال ترنر کلاسیک موزیک^۲ فیلم‌های قدیمی تماشا می‌کرد. انگار صدای قدیمی ستارگان هالیوود صدای خودش بود که می‌شنید و آرامش می‌کرد. دیدارمان نیم ساعتی طول کشید. صدای زنجره‌ها را، که از میان پنجره به درون اتاق می‌خلید، خوب به یاد دارم. در همه این سال‌های ابد «سرافتخاری» صدایم می‌کرد، اما آن شب وقتی به قصد خدا حافظی برخاستم چیز دیگری گفت: «دوستت دارم، تو جای پسری هستی که هرگز نداشتی.» در کلمات متفاوتش متانتی بود که معنا و وزن بسیاری داشت. او را در آغوش کشیدم و سپاسگزاری کردم. به سوی درگاهی اتاق مرم برداشتم و رفتم. او نگاهم می‌کرد و من در این فکر بودم نکند این آخرین دیدارمان باشد. و آخرین دیدار بود.

ری بردبری کمتر از دو ماه پس از آخرین دیدارمان در ۵ ژوئن ۲۰۱۲ در گذشت. همیشه می دانست در چهار دختر و هشت نوه اش به زندگی ادامه خواهد داد. همچنین می دانست کتاب هایش به نوعی جاودانه اش خواهند کرد. آنچه مایه تسلی خاطرش بود این بود که سال ها پس از رفتن صحبت هایش اینجا در این کتاب باقی خواهند ماند. و حداقل برای من کلماتش همچنان زنده اند. در کتاب آخرین مصاحبه ری بردبری همیشه زنده می ماند.

سام ولز

شیکاگو، ایلینوی

۶ سپتامبر ۲۰۱۴